

خبر سوزه روز

چه کنیم تا مغلوب چاه نشویم؟

قدمت چاه‌ها در ایران به چندین هزار سال قبل بازمی‌گردد و قطعاً همان ایامی که افراد دست به حفر چاه‌ها و گودال‌های زدند، خطراتی نیز آنان را تهدید می‌کرده که بسته به سطح دانش و علوم خود، سعی در رفع آن داشتند.

در حال حاضر در کشورمان و به ویژه سطح پایتخت دو نوع چاه آب و فاضلاب حفر می‌شود.

شواهد و قرائن حاکی از این است که ایرانیان در حفر چاه‌ها و قنات‌ها پیشقدم بوده‌اند. در گذشته علاوه بر چاه‌های آب و فاضلابی که امروزه نیز کاربرد دارد، چاهی نیز برای تأمین آب و ضو گرفتن و آبکش کردن برنج و طبخ غذا حفر می‌شد که امروزه دیگر کاربردی ندارد. چاه آب بسته به نوع محل و بستراب‌های زیرزمینی معمولاً عمیق‌تر از چاه‌های فاضلاب حفر می‌شود. باتوجه به اینکه چاه‌های آب از سفره‌های آب‌های زیرزمینی تغذیه می‌کند، بنابراین حفر آن نیازمند مجوز است، اما متأسفانه چاه‌های آب فاقد مجوز نیز حفر شده است. به همین دلیل آمار دقیقی از تعداد چاه‌های موجود در سطح کشور وجود ندارد. نکته این است که حفر چاه استانداردهای سخت و دشواری دارد که باید حتماً رعایت و برای حفر چاه باید از کارگران حرفه‌ای استفاده شود.

حفر چاه، لایه‌روبی، تخلیه و... کاری نیست که بشود به تنهایی آن را انجام داد، بنابراین یک چاه هر چقدر هم که دارای عمق کمی باشد، باید اقدامات انجام گرفته در آن از سوی تیم حرفه‌ای انجام شود. در حفر چاه حداقل باید یک تن مشغول به کار در عمق شود، یک تن دیگر در دهانه چاه حضور داشته باشد و فردی دیگر نیز در اطراف چاه مستقر باشد.

به اعتقاد کارشناسان همچنین به هنگام حفر چاه حتماً باید ارتباط چشمی و کلامی با فردی که داخل چاه قرار دارد، برقرار شود و در صورتی که افراد در چاهی با عمق زیاد مشغول به کارند، این ارتباط می‌تواند از طریق ایفون انجام شود و افرادی که چاهی حفر می‌کنند باید نسبت به جنس خاک آن مکان اطلاعات دقیق داشته باشند.

به عنوان مثال در برخی از کارگاه‌های ساختمانی برای بررسی جنس خاک باستون‌گذاری و... گودال‌هایی حفر می‌شود که در این زمینه نیز باید ضمن استفاده از کارگران حرفه‌ای و لوازم استاندارد حفاری، اطلاعاتی نیز درباره جنس خاک و میزان مقاومت آن کسب شود.

امکانات مناسب

کارگران باید هنگام حفر چاه از تجهیزات حفاظت فردی استفاده کنند. باید از طناب‌ها و... برای حضور در چاه استفاده کرد و دلوها را نیز محکم کرد تا بر سر افراد مقنی سقوط نکند. برای تخلیه محتویاتی که از داخل چاه خارج می‌شود، باید توجه داشت که این مواد چندین متر دورتر از دهانه چاه تخلیه شود، بنابراین بدیهی است که برای انجام این کار در چاه‌های سبک حداقل حضور سه تن الزامی است.

عده‌ای از مقنی‌ها برای حفر چاه از چراغ استفاده می‌کردند که این امر علاوه بر این که احتمال انفجار را افزایش دهد، ممکن است به دلیل مرطوب بودن خاک چاه و بالا بودن درصردرطوبت هوادر عمق آن سبب خاموش شدن چراغ نیز بشود.



برخی نیز از سیم برق برای تأمین روشنایی در عمق چاه استفاده می‌کنند که در این زمینه نیز باید توجه داشت که این امر ممکن است سبب اتصال و برق‌گرفتگی افراد در عمق چاه شود. استفاده از لامپ‌های ۲۴ ولت با باتری‌های شارژی بهترین شیوه تأمین روشنایی در عمق چاه است. برای ارتباط صوتی با افراد بیرون چاه نیز بهترین وسیله، ایفون‌هایی است که با سیم‌های ۵۰، ۱۰۰ و... در بازار قابل خریداری است.

در حفر چاه باید به این موضوع توجه داشت که صدا از خارج چاه به راحتی به داخل منتقل می‌شود، اما انتقال صوت از داخل به خارج چاه تقریباً غیرممکن است و استفاده از این ایفون‌ها نقش بسزایی در ارتباط صوتی خواهد داشت.

فاصله استاندارد بین دو چاه

حداقل فاصله میان دو چاه باید ۶ متر باشد و این در حالی است که مقنی نیز باید اطلاعات لازم درباره جنس خاک را کسب کرده باشد، چرا که گاهی ممکن است باتوجه به نوع خاک، این فاصله بیشتر شود.

در برخی موارد نیز گاه پس از پرشدن چاه قدیمی، اقدام به حفر چاهی در کنار آن می‌کنند که با حفر کانالی میان این دو چاه، محتویات چاه قدیمی به چاه جدید سرازیر می‌شود. این کانال ارتباطی که اصطلاحاً به آن کوره نیز می‌گویند، گاه سبب انتقال گازهای کشنده به داخل چاه جدید می‌شود که همین امر سبب گازگرفتگی مقنی می‌شود. به منظور پیشگیری از این امر باید حتماً ورودی و خروجی کوره باز باشد تا از انباشته شدن گازهای سمی در آن جلوگیری شود.

گاهی دیده شده که گازها از داخل لایه‌های خاک نیز نفوذ کرده و سبب مسمومیت کارگران می‌شود که در این زمینه نیز لازم است جنس خاک بررسی شده و تمهیدات لازم درباره آن اندیشیده شود.

روش‌های اطلاع از وجود گازهای سمی در اعماق چاه

در گذشته مقنی‌ها جانوران را به عمق چاه می‌فرستادند و در صورتی که آن جانور زنده به سطح زمین بازمی‌گشت، از سمی نبودن گازهای داخل چاه و همچنین وجود اکسیژن در آن مطمئن می‌شدند، اما امروزه چراغ روشن را به عمق چاه هدایت کرده و در صورت خاموش شدن متوجه می‌شوند که در عمق چاه اکسیژن وجود ندارد. در این صورت کارگران می‌توانند با استفاده از ماسک‌های اکسیژن و دستگاه‌های تنفسی به عمق چاه رفته و در حالت دیگر نیز بسته به تشخیص مهندس ناظر، می‌توانند از دستگاه‌های تهویه استفاده کنند.

بهترین زمان برای حفر چاه

برای حفر چاه‌های عمیق و لایه‌روبی بهترین زمان، وقتی است که سطح آب‌های زیرزمینی به پایین‌ترین سطح خود رسیده که این امر در کشور مادر نیمه‌دوم تابستان پیش از شروع بارش هاست.

تاثیر چاه‌ها در مقابله با زلزله

چاه‌هایی که در حال حاضر در سطح شهر تهران وجود دارند، نقش قابل توجهی در کاهش فشار زلزله ندارند، چرا که اساساً عمق این چاه‌ها کم بوده و گازهای زیرپوسته زمین امکان خروج از این چاه‌ها را ندارند، اما ممکن است چاه‌هایی با عمق زیاد تا حد بسیار ضعیفی خارج‌شدن گازهای زیرزمینی، امکان کاهش قدرت زلزله را داشته باشند.

نکته

خانه‌هایی از این دست، فقط ساختمان نیستند؛ سندی زنده‌اند از پیوند انسانیت، داوطلبی، پزشکی و عشق، خانه هلال صدف، نه فقط به خاطر نامش، که به خاطر نیت پدرش و قلب‌های داوطلبان و کمک‌های هلال احمر که هر هفته آنجا تپیدن امید را ممکن می‌سازند، ماندگار است.



گفت و گوی «شهروند» با زوج پزشکی که داغ دخترشان به خانه‌ای برای درمان رایگان مردم در دل کویر یزد تبدیل شد

نبض تپنده خانه هلال صدف در اشکدر

[مریم رضاخواه] در دل کویر خشک یزد، جایی که آفتاب سوزان و بادهای گرم روزگار را سخت می‌کنند، خانه‌ای کوچک و گرم به نام «خانه هلال صدف» قرار دارد؛ جایی که نور مهربانی و امید از درون دیوارهایش می‌تابد. این خانه، یادبودی است از دختری جوان به نام صدف که زندگی را زود ترک کرد، اما روح او در اینجا زنده مانده است. صدف هنوز هست. نه در اتاقی از خانه پدری، نه در قاپ عکسی روی دیوار، بلکه در خانه‌ای ساده در دل یکی از روستاهای یزد که نامش را با عشق فریاد می‌زند: خانه هلال صدف. اینجا نه فقط بیماری درمان می‌شود، بلکه دل‌هایی تسکین می‌گیرند. جایی که دیوارهایش با اشک بالا رفته، اما حالا با لبخند استوار مانده. قصه این خانه، با یک مرگ شروع شد؛ با غروبی بی‌صدا که دختری ۲۷ ساله بی‌خداحافظی پر کشید. اما پدر و مادرش، به جای آنکه در سوگ بمانند، تصمیم گرفتند مشعل امیدی بی‌فروزند که تا سال‌ها در دل دیگران روشن بماند.

دکتر سید علی حسینی و دکتر زهره فاضل، پزشک هستند. کسانی که نام دخترشان را نه روی سنگی در گورستان، که بر سردر خانه‌ای برای مردم حک کردند. خانه‌ای که حالا هر هفته میزبان پزشکانی است؛ برای درمان بی‌چشمداشت و نجات بی‌منت. پزشکان متخصص از راه می‌رسند. در این فضای ساده و صمیمی، دست به دست هم می‌دهند تا درد و رنج روستاییان را تسکین دهند و دل‌هایی را که در این منطقه دورافتاده به امید درمان می‌تپد، آرام کنند. خانه‌ای که نه فقط درمانگاه است، بلکه مأمنی است برای دل‌های خسته و نشانه‌ای از عشق بی‌پایان یک پدر. اینجا پزشکان نه برای درآمد، که برای ادای دین می‌آیند و پشت این خانه، پدر و مادری ایستاده‌اند که دخترشان را در ۲۷ سالگی از دست دادند و تصمیم گرفتند به جای آن‌که در غم بمانند، دردی را درمان کنند.

روایت تأسیس خانه هلال

ماجرای این خانه، روایت مردی است که دردش را به درمان دیگران بخشید. سید علی حسینی، پدر صدف، پزشک و چهره‌ای شناخته‌شده در جامعه پزشکی، در گفت‌وگو با «شهروند» از روزی می‌گوید که زندگی‌اش زیر و رو شد.



«صدف دخترم بود. ۲۷ سالش بود. یک شب در خانه یکی از دوستانش حالش بد شد. من مأموریت بودم. به خواهرش گفته بود نگران نباشید، چیزی نیست، به بابا و مامان هم نگید. ولی نصف شب حالش وخیم شد. اورژانس رسید، بردنش بیمارستان لقمان. بعد از چند ساعت به کما رفت. بعد از سه روز هم فوت کرد.»

صدف رفت، بی‌هیچ خداحافظی. اما پدرش، که هنوز هم وقتی اسم دختر را می‌برد صدایش آرام می‌شود، به همراه همسرش تصمیم گرفت یاد او را زنده نگه دارند؛ نه با سنگی سرد، که با ساختمانی گرم از حضور آدم‌ها.

«بعد از فوت صدف، به مدتی فقط مات و مبهوت بودیم. ولی یک روز با خودم گفتم باید کاری بکنم؛ چیزی بسازم که اسم صدف زنده بماند و مردم هم از آن بهره ببرند. یک خانه‌باغ در همت‌آباد یکی از روستاهای اشکدر یزد داشتیم؛ زادگاه پدری ام هست. به همراه همسر در اختیار جمعیت هلال احمر گذاشتیم. با کمک دوستان و همکاران و هلال احمر آنجا شد خانه هلال صدف.»

خانه‌ای که حالا به محلی برای ارائه خدمات درمانی رایگان تبدیل شده. خانه‌ای که هر پنجشنبه و جمعه، گروهی از پزشکان متخصص و فوق‌تخصص از شهرهای مختلف کشور به آنجا می‌آیند و بیماران نیازمند را رایگان ویزیت می‌کنند. تجهیزات این خانه هلال نیز توسط دکتر فاضل و همسرش تهیه شد اما برخی امکانات نیز توسط

جمعیت هلال احمر در اختیار این خانواده قرار گرفت.

«پیش از ۱۴ پزشک داریم؛ از فوق‌تخصص قلب و گوارش گرفته تا نوزادان و سرطان. متخصص زنان و داخلی و گوش و حلق و بینی و اورولوژی هم هستند. بیشتر این تیم پزشکی از دوستان و اقوام خودم هستند با علاقه می‌آیند. برنامه‌ریزی می‌کنیم. هر هفته به مردم اطلاع می‌دهیم که مثلاً این هفته چه متخصص‌هایی حضور دارند.»

اما ماجرا فقط به ویزیت ختم نمی‌شود. برای تأمین دارو هم فکر شده است. خانه هلال صدف با دوا دارو خانه در منطقه قرارداد دارد؛ اگر بیماری توان خرید دارو را نداشته باشد، بی‌نام و نشان، و بی‌این‌که غرورش خدشه دار شود، دارویش را به رایگان دریافت می‌کند. «برای اینکه حرمت مریض حفظ بشود، هماهنگ کردیم که وقتی به دارو خانه مراجعه می‌کند، با کد مخصوص دارو را تحویل می‌گیرد بدون اینکه پولی پرداخت کند. خوشبختانه خانواده‌های خیلی بی‌بضاعت در آن منطقه کم داریم، ولی کسانی هم که توان پرداخت هزینه‌هایشان را دارند درمان می‌شوند. همچنین در صورت لزوم، بیماران را به بیمارستان‌های تخصصی دانشگاه علوم پزشکی یزد ارجاع می‌دهیم تا ادامه اقدامات تشخیصی و درمانی بیمارانی که مشکلات حادتری دارند، در آن بیمارستان‌ها پیگیری شود.»

صدای بلند خانه هلال صدف

روستای محل استقرار خانه هلال، نزدیک به همت‌آباد است و اطرافش چندین روستای دیگر هم با فاصله یک تا دو کیلومتر قرار دارند. مردم این منطقه حالا می‌دانند که برای درمان، دیگر نیازی نیست مسافت‌های طولانی بروند.

«ما در گروه‌های محلی اطلاع‌رسانی می‌کنیم. مریض‌ها ثبت‌نام می‌کنند و نوبت می‌گیرند. یک مسئول روابط عمومی داریم که هماهنگی با پزشک‌ها را انجام می‌دهد. مثلاً تماس می‌گیرد و می‌پرسد کدام یک از پزشکان در خانه هلال صدف می‌توانند حضور پیدا کنند تا به مردم روستا اطلاع‌رسانی کند.» در ادامه مسیر، وقتی مدرسه‌ای قدیمی در روستا تخلیه شد، دکتر حسینی آن را از آموزش و پرورش خرید و با هزینه شخصی بازسازی کرد. حالا خانه هلال به آن ساختمان منتقل شده و فضای مناسب‌تری برای خدمت‌رسانی دارد.

«آن خانه باغ، با اینکه بزرگ بود، ولی برای کار درمانی و رفت‌وآمد مردم خیلی مناسب نبود. مدرسه قدیمی را کامل بازسازی کردیم. حالا همه خدمات در این محل ارائه می‌شود. خدا را شکر هر هفته پزشکان می‌آیند، و مردم هم راضی هستند.»

خانه هلال صدف حالا به الگویی از مشارکت مردم و پزشکان برای خدمات سلامت رایگان تبدیل شده است؛ نمونه‌ای از اینکه چطور می‌شود غم شخصی را به خیر جمعی تبدیل کرد. وقتی از دکتر حسینی می‌پرسیم انگیزه‌اش برای ادامه کار چیست، پاسخ می‌دهد:

«هیچی جای صدف را نمی‌گیرد. اما وقتی می‌بینم یک پدر با خیال راحت بچه‌ش را برای معاینه پزشکی به خانه هلال می‌آورد، یا یک مادر نگران نیست که پول دارو نداشته، حس می‌کنم صدف هنوز هست. در همین اتاق‌ها، بین همین آدم‌ها. این خانه، برای دخترمه. اسامش روش هست؛ خانه هلال صدف.»